





دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده حقوق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

مطالعه تطبیقی

جرایم علیه اجرای عدالت کیفری

در حقوق کیفری ایران و انگلستان

استاد راهنما: دکتر حسین میرمحمد صادقی

استاد مشاور: دکتر جعفر کوشا

دانشجو: رسول عابد

کتابخانه حقوقی
شعبه حقوق جزا

۱۳۸۸/۱۱/۶

سال تحصیلی ۱۳۸۸

۱۳۰۲۹۳

توجه:

«مطالب مندرج در پایان نامه صرفاً بیان عقاید دانشجو است و دانشکده هیچگونه مسئولیتی در قبال نظریات مطرح شده ندارد.»

Caution:

"Opinions or points of view expressed are those of the author and do not necessarily reflect the official position or policies of educational staff of Faculty of Law, Shahid Behesht University"

تقدیر و تشکر

در ابتدا بر خود لازم می دانم از راهنمایی ها و مشاوره های اساتید محترم دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی به ویژه زحمات اساتید ارجمند جناب آقای دکتر میر محمد صادقی به عنوان استاد راهنما، از جناب آقای دکتر کوشا به عنوان استاد مشاور و همچنین از جناب آقای دکتر گلدوست جویباری و دکتر رضا نوریها به سبب داوری منصفانه و ذکر نکات مهم به عنوان استاد داور صمیمانه قدردانی و تشکر نمایم.

نام خانوادگی: عابد	نام: رسول
سال ورود: ۱۳۸۵	رشته تحصیلی: حقوق جزاء و جرم‌شناسی
نام استاد راهنما: دکتر حسین میرمحمد صادقی	تاریخ فراغت از تحصیل: ۱۳۸۸/۴/۹
عنوان پایان نامه: مطالعه تطبیقی جرایم علیه اجرای عدالت کیفری در حقوق کیفری ایران و انگلستان	

چکیده

اخیراً نظام های کیفری در کشورهای گوناگون، در جهت یکپارچه سازی و ایجاد انسجام در خصوص جرایمی تلاش می کنند که وجوه مشترکی دارند، و ارزش مورد تجاوز در آن جرایم یکسان و مشابه است. دسته ای از این جرایم که امروزه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، جرایمی هستند که علیه اجرای عدالت کیفری ارتکاب می یابد. عدالت کیفری همانند سایر ارزش های مهم در جامعه چون حمایت از مال، جان و امنیت شایسته حمایت است. حمایت واقعی از ارزش های جامعه از طریق جرم انگاری زمانی میسر می شود که عدالت کیفری در مسیری امن و شایسته جریان یابد، و چنانچه مانعی در مسیر آن وجود دارد، با ضمانت اجراهای کیفری و غیر کیفری همراه باشد.

جرایم علیه اجرای عدالت کیفری، تضمیناتی هستند که قانونگذاران با وضع آن ها تلاش می کنند تا امنیت فرآیند رسیدگی را فراهم کنند و به افراد دخیل در این فرآیند اطمینان دهند که این فرآیند تضمینات حقوقی لازم را دارد. در این رساله به بررسی جرایمی پرداخته می شود که در فرآیند اجرای عدالت کیفری اختلال ایجاد می کنند یا مانع جریان عادلانه و منصفانه آن می شوند. این دسته از جرایم شامل اقدامات گوناگونی می شود و مرتکبان آن نیز افراد گوناگونی را در بر می گیرد. این دسته از جرایم ممکن است از جانب مقامات قضایی، مقامات دولتی، شهود، کارشناسان، متهمان، محکومان و... ارتکاب یابد. بر همین اساس، در این رساله به بررسی کلیه این اقدامات مجرمانه به صورت تطبیقی با نظام کیفری انگلستان پرداخته می شود.

آنچه که حایز اهمیت است اینکه جرایم مذکور، بر اساس فرآیند دادرسی کیفری یا اجرای عدالت بررسی می شوند. لذا مطالب این رساله در چهار فصل ارائه می شود. در فصل اول مفهوم عدالت، تعاریف فلسفی و حقوقی آن و نیز مفهوم عدالت کیفری تشریح و تبیین می شود. در ادامه همین مطالب، نهاد های اجرای عدالت کیفری که وظیفه اجرای عدالت در نظام کیفری را بر عهده دارند، هم در ایران و هم در انگلستان مورد اشاره قرار می گیرد. در سه فصل بعد به بررسی جرایم علیه اجرای عدالت کیفری پرداخته می شود. لذا در فصل اول جرایم ارتكابی در مرحله تحقیق و تعقیب، در فصل سوم، جرایم ارتكابی در مرحله رسیدگی و محاکمه و نهایتاً در فصل چهارم، جرایم ارتكابی در مرحله اجرای حکم و مجازات تبیین و تشریح می شود.

لازم به ذکر است که جرایم مورد مطالعه در هر فصل بر اساس مرتکب جرم در گفتارهای متفاوتی ذکر شده است. همچنین رویکرد تطبیقی در جای جای این رساله آشکار است و تلاش شده است که مقایسه تطبیقی جرایم بر اساس منابع معتبر و قوانین جاری و به روز ایران و انگلستان باشد.

واژگان کلیدی :

۱- عدالت ۲- نظام عدالت کیفری ۳- اجرای عدالت ۴- جرم ۵- فرآیند رسیدگی ۶- نظم دادرسی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول: عدالت کیفری.....	۱۱
مبحث اول : مفاهیم و گونه ها	۱۲
گفتار اول : مفاهیم.....	۱۳
الف) عدالت در مفهوم لغوی.....	۱۳
ب) عدالت در مفهوم اصطلاحی.....	۱۴
گفتار دوم : گونه ها.....	۲۱
الف) عدالت کیفری	۲۱
ب) عدالت ترمیمی.....	۲۴
مبحث دوم : نهاد های مجری عدالت کیفری.....	۳۰
گفتار اول : نهاد کشف، تعقیب و تحقیق.....	۳۱
الف) پلیس	۳۱
ب) دادسرا.....	۳۴
گفتار دوم : نهاد رسیدگی کننده (دادگاه).....	۳۸
الف) مراجع تالی.....	۳۸
ب) مراجع عالی.....	۴۱
گفتار سوم : نهاد اجرای حکم.....	۴۵
فصل دوم: جرایم ارتكابی در مرحله تحقیق و تعقیب.....	۴۷

مبحث اول (جرایم ارتكابی مقامات قضایی و دولتی)..... ۴۹

گفتار اول : صدور دستور غیر قانونی مبنی بر بازداشت، تعقیب یا قرار مجرمیت..... ۵۰

الف (عنصر قانونی ۵۰

ب (عنصر مادی ۵۱

ج (عنصر معنوی ۵۶

گفتار دوم : امتناع از اعلام جرم..... ۵۷

الف (عنصر قانونی ۵۸

ب (عنصر مادی ۶۳

ج (عنصر معنوی ۶۹

مبحث دوم (جرایم ارتكابی ماموران قضایی و دولتی)..... ۷۴

گفتار اول : عدم استماع شکایت محبوس غیر قانونی ۷۵

الف (عنصر قانونی ۷۵

ب (عنصر مادی ۷۶

ج (عنصر معنوی ۷۹

گفتار دوم : تسامح و اهمال مامور در دستگیری متهم یا زندانی ۸۰

الف (عنصر قانونی ۸۰

ب (عنصر مادی ۸۰

ج (عنصر معنوی ۸۲

گفتار سوم : کسب نامشروع دلیل ۸۴

الف (عنصر قانونی ۸۴

ب (عنصر مادی ۸۵

ج (عنصر معنوی ۹۰

گفتار چهارم: اخفاء یا معدوم نمودن یا تسلیم اسناد به اشخاص فاقد صلاحیت ۹۱

الف (عنصر قانونی ۹۱

ب (عنصر مادی ۹۱

ج (عنصر معنوی ۹۳

مبحث سوم (جرایم ارتكابی سایر افراد ۹۴

گفتار اول: مخفی کردن یا تخریب ادله جرم (اخفاء یا دفن جسد مقتول) ۹۴

الف (عنصر قانونی ۹۵

ب (عنصر مادی ۹۷

ج (عنصر معنوی ۱۰۱

گفتار دوم: منحرف کردن مسیر اجرای عدالت ۱۰۳

الف (عنصر قانونی ۱۰۴

ب (عنصر مادی ۱۰۷

ج (عنصر معنوی ۱۰۸

فصل سوم: جرایم ارتكابی در مرحله رسیدگی و محاکمه ۱۱۹

مبحث اول: جرایم ارتكابی مقامات قضایی و دولتی ۱۲۰

گفتار اول: صدور حکم به کیفری شدیدتر از مجازات مقرر ۱۲۱

الف (عنصر قانونی ۱۲۱

ب (عنصر مادی ۱۲۲

ج (عنصر معنوی ۱۲۶

گفتار دوم: استتکاف یا تاخیر مقام قضایی در رسیدگی یا صدور حکم بر خلاف

قانون ۱۲۷

الف (عنصر قانونی ۱۲۷

ب (عنصر مادی ۱۲۸

ج (عنصر معنوی ۱۲۹

گفتار سوم: سوء استفاده از قدرت در جلوگیری از اجرای احکام و اوامر مقامات

قضایی ۱۳۰

الف (عنصر قانونی ۱۳۰

ب (عنصر مادی ۱۳۱

ج (عنصر معنوی ۱۳۳

گفتار چهارم : دخالت در امور قضایی ۱۳۵

الف (عنصر قانونی ۱۳۵

ب (عنصر مادی ۱۳۵

ج (عنصر معنوی ۱۳۸

مبحث دوم : جرایم ارتكابی شهود و كارشناسان ۱۴۰

گفتار اول : شهادت و سوگند دروغ ۱۴۱

الف (عنصر قانونی ۱۴۱

ب (عنصر مادی ۱۴۴

ج (عنصر معنوی ۱۵۴

گفتار دوم : اظهار نظر خلاف واقع ۱۵۸

الف (عنصر قانونی ۱۵۸

ب (عنصر مادی ۱۵۹

ج (عنصر معنوی ۱۶۳

مبحث سوم: جرایم ارتكابی سایر افراد ۱۶۵

گفتار اول: تهدید ۱۶۵

الف (عنصر قانونی ۱۶۶

ب (عنصر مادی ۱۶۶

ج (عنصر معنوی ۱۷۰

گفتار دوم : اهانت به دادگاه..... ۱۷۳

الف (عنصر قانونی ۱۷۴

ب (عنصر مادی ۱۷۷

ج (عنصر معنوی ۱۸۹

فصل چهارم: جرایم ارتكابی در مرحله اجرای حکم و مجازات. ۱۹۱

مبحث اول : جرایم ارتكابی ماموران و ظابطان قضایی ۱۹۲

گفتار اول : پذیرش زندانی بدون اخذ برگ بازداشت ۱۹۳

الف (عنصر قانونی ۱۹۳

ب (عنصر مادی ۱۹۳

ج (عنصر معنوی ۱۹۵

گفتار دوم : اعمال مجازات سخت تر از کیفر مورد حکم یا در غیر مورد حکم ۱۹۶

الف (عنصر قانونی ۱۹۶

ب (عنصر مادی ۱۹۶

ج (عنصر معنوی ۱۹۸

گفتار سوم: امتناع از ارائه دفاتر زندان یا تسلیم زندانی یا رسانیدن تظلمات آنها..... ۲۰۰

الف (عنصر قانونی ۲۰۰

ب (عنصر مادی ۲۰۰

- ج (عنصر معنوی ۲۰۳
- گفتار چهارم : معاونت در فرار از جانب مامورین ۲۰۴
- الف (عنصر قانونی ۲۰۴
- ب (عنصر مادی ۲۰۵
- ج (عنصر معنوی ۲۱۲
- مبحث دوم : جرایم ارتكابی متهم و محكوم ۲۱۳
- گفتار اول : فرار محبوسین قانونی از زندان یا بازداشتگاه ۲۱۴
- الف (عنصر قانونی ۲۱۴
- ب (عنصر مادی ۲۱۵
- ج (عنصر معنوی ۲۲۵
- گفتار دوم : فرار محكوم به حد، قصاص یا دیه ۲۲۶
- الف (عنصر قانونی ۲۲۶
- ب (عنصر مادی ۲۲۷
- ج (عنصر معنوی ۲۳۰
- گفتار سوم : سرپیچی از دستورات دادگاه ۲۳۱
- الف (عنصر قانونی ۲۳۱
- ب (عنصر مادی ۲۳۲
- ج (عنصر معنوی ۲۳۳
- مبحث سوم : جرایم ارتكابی سایر افراد ۲۳۵
- گفتار اول : مخفی کردن یا فراری دادن مجرم ۲۳۶
- الف (عنصر قانونی ۲۳۶
- ب (عنصر مادی ۲۴۰

۲۴۶.....	ج (عنصر معنوی
۲۵۲.....	گفتار دوم : مساعدت در فرار زندانی از سوی غیر محافظ، ملازم یا مراقب
۲۵۳.....	الف (عنصر قانونی
۲۵۳.....	ب (عنصر مادی
۲۵۶.....	ج (عنصر معنوی
۲۵۸.....	نتیجه گیری
۲۶۲.....	چکیده لاتین
۲۶۵.....	فهرست منابع و مآخذ

علائم اختصاری

- ق.م.ع : قانون مجازات عمومی، ۱۳۰۴
- ق.م.ا.ن.ب.ح.م : قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، ۱۳۱۵
- ق.ر.ک.ر : قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷
- ق.ت.د.ک : قانون تشکیل دیوان کیفر، ۱۳۳۴
- ق.ا : قانون اساسی، ۱۳۵۸
- ل.ق.ت.د.ع : لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی، ۱۳۵۸
- ق.د.ن : قانون دادگاه های نظامی، ۱۳۶۴
- ق.م : قانون مطبوعات، ۱۳۶۴
- ق.ت.م.م.ا.ا.ک : قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، ۱۳۶۷
- ق.م.ا.ن.ا.ک : قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور، ۱۳۶۹
- آ.د.د.ر : آئین نامه دادرها و دادگاه های ویژه روحانیت، ۱۳۶۹
- ق.م.ا : قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۰
- آ.ق.م.س.ز.ا.ت.ت.ک : آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور، ۱۳۷۲
- ق.ت.د.ع.ا : قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، ۱۳۷۳
- ق.م.ا.ت : قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ۱۳۷۵
- ق.ا.ق.م.م.م : قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر و الحاق موادی به آن، ۱۳۷۶
- ق.ا.د.د.ع.ا.ک : قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ۱۳۷۸
- ق.ا.ق.ت.د.ع.ا : قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، ۱۳۸۱
- ق.ح.ک.ن : قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۱
- ق.م.ن.م : قانون مجازات نیروهای مسلح، ۱۳۸۲
- آ.ا.س.ز.ا.ت.ت.ک : آئین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور، ۱۳۸۴

مقدمه

الف (بیان مسئله

حقوق کیفری حامی ارزش های یک جامعه می باشد. این ارزش ها بر اساس اهمیتی که در جامعه دارند، از ضمانت اجرای های کیفری گوناگونی برخوردار هستند. برخی از این ارزش ها مانند جان، مال و امنیت، حجم وسیعی از قوانین کیفری را با ضمانت اجرای های شدید کیفری به خود اختصاص داده اند.

هنگامی که جرمی ارتکاب یافته می شود، نظم عمومی جامعه آشفته و پریشان می گردد. جامعه برای بازگرداندن و ترمیم این آشفستگی یا برقراری عدالت، مرتکبان آن را محکوم و مجازات می کند. مبارزه با آشفستگی نظم عمومی از طریق کیفر را می توان عدالت کیفری نامید. بدین معنا که مقنن از طریق کیفر سعی در برقراری آرامش از دست رفته جامعه می نماید تمامی نظام های کیفری با حربه مجازات در پی حمایت از ارزش های مهم جامعه هستند. فرآیندی که برای تحقق این هدف والا سپری می شود اجرای عدالت کیفری نام دارد. در این فرآیند نهاد های حقوقی گوناگونی فعالیت می کنند.

همواره این احتمال وجود دارد که در عبور از چنین فرآیندی برای تحقق عدالت، افراد جامعه با ارتکاب اقداماتی، در مسیر اجرای عدالت کیفری اختلال ایجاد نمایند. از همین رو، لازم است مقنن برای تضمین اجرای عدالت کیفری در مسیری مطمئن و عادلانه، در قبال این افراد واکنش نشان دهد.

«جلوگیری از اجرای عدالت، هر عمل یا ترک عملی است که ماموران انتظامی را از کشف جرم یا تعقیب متهم و دادگاه ها را در محاکمه و صدور حکم یا قرار و اجرای آن ها باز دارد.»^۱

«برای حاکمیت عدالت قضایی در جامعه لازم است اعمالی که مانع تحقق عدالت قضایی هستند جرم تلقی شده مباشران و معاونان این اعمال مجازات می شوند.»^۲ بررسی وضعیت موجود قوه قضائیه، به لحاظ کمی و کیفی نشان دهنده وجود مشکلات و محدودیتهایی در فرآیند تحقق عدالت کیفری است.

^۱ - بوشهری، جعفر، حقوق جزا، اصول و مسائل، ناشر شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۱۳۷۹، ص ۲۴۱

^۲ - کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۳

تعدد مراجع قانونگذاری، تورم قوانین کیفری که فی نفسه موجب تورم کیفری و افزایش جرم و جمعیت کیفری گردیده‌اند به نحوی که تحقق عدالت کیفری که کارکرد و اهداف غائی نظام کیفری است با مانع مواجه شده است.

به منظور ارزیابی اجرای هر چه شایسته عدالت کیفری در یک نظام حقوقی، مهمترین معیار می‌تواند، ارزیابی ضمانت اجرای های کیفری تضمین اجرای عدالت باشد. به عبارت دیگر، ارزیابی و محاسبه، از شاهکار خلقت است. ارزیابی و محاسبه گری یکی از عمیق ترین، انسانی ترین و زیباترین دست آورد های چند قرن اخیر است به عبارت آخری، نتیجه مسلط شدن بشر به علم است که انسان را در مسیر محاسبه، برنامه ریزی و آینده نگری و دقت قرار می دهد. محاسبه گری به عقاید و اندیشه های روشن و اهداف متعالی نیازمند است که لازمه آن توسل به دقت، ظرافت، آینده نگری و قوه عقل گرائی است.^۱

نمونه این نظارت و محاسبه گری در قانون اساسی بیان شده است گرچه ارزیابی کارکرد آن خود بحث دیگری است، مطابق اصول ۷۶ و ۹۰ قانون اساسی تحقیق و بررسی سیاست گذارهای قوه قضائیه و عملکرد آن که برابر اصل ۱۵۶ ق. ا وظیفه اجرای عدالت را بر عهده دارد مورد توجه قرار گرفته است.

نه تنها هر نوع ارزیابی و محاسبه گری برای قوه مقننه نسبت به عملکرد و کارکرد قوه قضائیه به منظور امنیت عدالت کیفری در نظر گرفته شده است، بلکه بر اساس اصل ۱۱۳ ق. ا وقتی که حقوق اساسی شهروندان نقض و عدالت کیفری چه در طراحی سیاست گذارها و چه در صحنه اجرا با موانع مواجه گردد قوه مجریه نقش تعامل را بر عهده دارد.

اهداف قانونگذار بررسی علمی و حکیمانه همراه با آینده نگری و دقت است این تفویض اختیارات به قوه مقننه و قوه مجریه در تعارض با تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه (اصل ۵۷ ق. ا) قرار ندارد. زیرا استقلال بدین معنا نیست که کسی پاسخگو نباشد.

^۱ - سعیدی، حسین، از کابوس قانون تا رویای عدالت، ناشر متن گستران آریا، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۸

اجرای اصل ۷۶ ق.ا به مفهوم دخالت در امر قضاء نبوده بلکه منتخبین مردم می توانند سیاستگذاریهایی نظام کیفری و عملکرد آنان را مورد بررسی قرار دهند تا این تعاملات به امنیت عدالت کیفری قوت ببخشند. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ و نیز ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ که ایران در سال ۱۳۵۴ به آن ملحق شده و در حکم قانون داخلی محسوب می شود، در عین حالیکه بیان می دارد همه در مقابل دادگاهها مساوی اند و استقلال قاضی مطرح است، نظارت و محاسبه گری را مورد نظر قرار داده است، همانطوریکه با توجه به اصل ۳۶ ق.ا ایران قاضی باید بر اساس قانون حکم کند.

در همین روزهای اخیر سالگرد سی سال قانونگذاری در مجلس شورای اسلامی برگزار گردید که از نظر وحدت ملی و وفاق سیاسی در خور توجه بنظر میرسد. اما این کافی نیست بلکه اصالت محاسبه گری در ارزیابی یک قانون در طول ۲۰ سال کارکرد آن چه بوده است و چه میزان آثار مثبت و یا منفی داشته و میزان تامین عدالت کیفری چقدر بوده است، مهمتر می نماید؟ آیا جرم انگاری های صورت گرفته یا حبس زدایی در جرایم و یا تورم قوانین مفید واقع گردیده است یا خیر؟ کار سخت را باید در فرصت اول انجام داد و این اصل محاسبه گری کم رنگ است که باید با اقتدار احیاء گردد، نه اینکه بعد از سی سال از عمر یک قانون بد برگردیم و به گذشته خود نگاه کنیم و با یک سوال بزرگ مواجه شویم که چرا به عدالت جفا شد؟

^۱ - Universal Declaration of Human Rights (10 December 1948)

ماده ۱۰ اعلامیه مقرر می دارد: هر کس حق دارد با مساوات کامل از امکان دادرسی منصفانه و علنی توسط یک محکمه مستقل و بی طرف برای تعیین حقوق و تکالیف خویش و یا اتهامات جزایی وارده بر خود برخوردار شود.

^۲ - International Covenant on Civil and Political Rights (26 December 1966)

بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون مقرر می دارد:

۱- همه افراد در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری از حقوق (برابر برخوردارند. در امور تصمیم گیری هر اتهامی علیه فرد و یا (علیه) حقوق و تعهدات مدنی او، هر کس باید حق داشته باشد که) اتهامات او) بوسیله یک دادگاه قانونی، صلاحیت دار، مستقل و بیطرف، بطور منصفانه و علنی، رسیدگی شود. مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام و یا قسمتی از دادگاه بدلائل اخلاقی، نظم عمومی و یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار منع شوند. وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند و یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن (جلسات) را زیان آور به مصالح دادگستری بدانند، (محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام و یا قسمتی از دادرسی) امکان دارد، اما حکم صادره در امور کیفری و یا مدنی باید علنی باشد مگر آنکه مصلحت افراد جوان ایجاب نماید و یا روند دادرسی، مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی اطفال باشد.

برای بررسی عملکرد یک سیستم کیفری، باقی ماندن در درون دالان مباحث نظری، آن هم به صورت مطلق بی‌فایده بوده و راه گریز آن، ارزیابی عالمانه مکانیسم سیستم با ابزارهای علمی آسیب شناسی است.

قانون و حاکمیت قانون، اصلی‌ترین موضوعاتی هستند که می‌توانند ما را، با ارزیابی علمی آنها در یک نظام کیفری (سیستم) و توجه به آسیب شناسی آنها بر اساس رشد، آگاهی‌ها و نیازها به اهداف غائی‌مان برسانند؛ چرا که انسان به عنوان محوری‌ترین عامل در این موضوع از یک سو و ضرورت عملگرایی به عنوان پایدارترین رفتار در نشان دادن یک نظام عادلانه کیفری از طرف دیگر ضرورت بررسی ساختار و رفتار که بارزترین مولفه‌های موانع تحقق عدالت کیفری در یک نظام کیفری می‌باشد را ایجاب می‌نماید.

موانعی همچون تورم نهادهای قانونگذاری تورم مراجع کیفری افزایش عناوین کیفری، ماندگار نبودن قوانین، صریح نبودن برخی از قوانین و محدودیتهای فرآیند کیفری در یک نظام کیفری امکان دستیابی در عدالت کیفری را محدود و یا بعضاً سلب می‌نماید که راه گریز از این موانع تبیین قوانین تأثیرگذار، حاکمیت قانون، نظارت دقیق تلاش در جهت شناخت و فرهنگ قانون پذیری و اساساً اصلاح سیاستهای کلی در سیستم نظام عدالت کیفری از طریق تشکیل کار گروه تخصصی متشکل از علماء و فقهاء، دانشمندان و اساتید و صاحب نظران امور حقوقی و اجتماعی است.

از سوی دیگر، بررسی نحوه اجرای عدالت کیفری و تضمین عملکرد آن با شیوه های گوناگون از جمله ضمانت اجرای های کیفری در سایر نظام های حقوقی به عنوان مطالعه تطبیقی، نه تنها در تحصیل نگاه واقع بینانه تر در نظام داخلی موثر و مفید می باشد، بلکه باعث کشف نقاط قوت و ضعف نظام داخلی می گردد و راه هایی را برای استفاده از راهکار های قابل اعمال در نظام خارجی در اختیار ما قرار می دهد.

در همین راستا، نظام حقوقی انگلستان به عنوان نظامی برای مطالعه تطبیقی در این نوشتار در نظر گرفته شده است. هر چند که مبانی حقوقی این دو نظام دارای تفاوت های آشکاری می باشند. زیرا که

نظام حقوقی ایران مبتنی بر قانون نوشته و نظام حقوقی انگلستان مبتنی بر حقوق عرفی و رویه قضایی می باشد. اما همین نقطه تفاوت در مطالعات تطبیقی حایز اهمیت است. زیرا که مطالعه تطبیقی دو نظام با مبنای یکسان شاید نتایج شایسته و مورد انتظار را به دست ندهد. تفاوت بین دو نظام حقوقی، ناشی از نهادها و مراجع مختلفی است که در هر یک برای تحقق عدالت فعالیت می کنند. لذا در مطالعه تطبیقی، ظرفیت ها و فرصت های استفاده از چنین نهاد های متفاوتی در نظام داخلی مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرند.

شاید اولین نقطه تشابه در هر دو نظام مذکور این است که فصلی با عنوان جرایم علیه اجرای عدالت کیفری در قوانین موضوعه خود ندارند. مقنن ایرانی در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی و برخی قوانین پراکنده دیگر، افعالی را جرم انگاری نموده است که می توان آن ها را جرایمی علیه اجرای عدالت کیفری محسوب نمود. نظام کیفری انگلستان نیز در این حیطة، از یک سو دارای جرایمی است که مبتنی بر نظام کامن لا هستند و از سوی دیگر، قوانین موضوعه آن نیز برخی افعال را به عنوان جرایم علیه اجرای عدالت کیفری مورد توجه قرار داده اند. این در حالی است که برخی نظام های حقوقی مانند ترکیه^۱ و فرانسه جرایم علیه اجرای عدالت را در فصل مستقلی از قوانین کیفری قرار داده اند. حتی در عرصه بین المللی نیز، اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی^۲ ماده مفصلی را با همین عنوان^۳ به خود اختصاص داده است.^۴

بنابراین امروزه «عدالت کیفری» خود به عنوان ارزش مستقلی محسوب می شود که همانند اموال، امنیت و جان که هر یک مقررات مفصلی را در قوانین کیفری به خود اختصاص داده اند، باید دارای فصل مستقلی در قوانین کیفری باشد تا به نحو شایسته مورد حمایت قرار گیرد.

^۱ - در این خصوص مراجعه کنید به قانون جزای ترکیه مصوب ۲۰۰۵ (TÜRK CEZA KANUNU) که دارای فصلی تحت عنوان جرایم علیه عدالت (Adliyyeye Karşı Suçlar) می باشد. این فصل از ماده ۲۶۷ شروع و با ماده ۲۷۵ خاتمه می یابد.

^۲ - International Criminal Court (ICC 17 July 1998)

^۳ - Offences against the administration of justice

^۴ - رجوع کنید به ماده ۷۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی در پایگاه اینترنتی:

<http://untreaty.un.org/cod/icc/statute/romefra.htm>

در نگارش اثر حاضر، طرح های گوناگونی مورد توجه قرار گرفت. پیچیدگی موضوع و عدم اشتراک در بین جرایم علیه اجرای عدالت، دسته بندی منسجم موضوع را بسی دشوار می ساخت. دسته بندی موضوع بر اساس ارزشی که به آن تجاوز می شود، باعث ایجاد فصل های کثیری می شود. زیرا که ارزش های گوناگونی در جرم انگاری هر فعل مجرمانه مورد توجه است و کثرت فصول امری مطلوب نیست. از سوی دیگر دسته بندی مطالب بر اساس مرتکب نیز جالب توجه و بدیع به نظر می رسد. که به نحو دیگری در اثر به کار گرفته شده است.

اما طرح حاضر، تقسیم بندی مطالب بر اساس فرآیندی است که عدالت کیفری آن را طی می کند. به طور کلی، مسیر اجرای عدالت کیفری را اینگونه می توان ترسیم نمود: جرمی ارتکاب یافته می شود، مجریان عدالت کیفری در پی کشف و تعقیب آن بر می آیند، پس از گردآوری ادله، نهادی های رسیدگی کننده، مرتکب جرم را محاکمه و در صورت احراز مجرمیت، او را محکوم می کنند. سرانجام، این نهاد های اجرای مجازات هستند که آخرین مرحله اجرای عدالت کیفری را طی می کنند.

به طور خلاصه می توان فرآیند اجرای عدالت کیفری را در کشف، تحقیق و تعقیب (پلیس و دادسرا)، رسیدگی و محاکمه (دادگاه) و اجرای مجازات خلاصه نمود. بر همین اساس، طرح حاضر مبتنی بر جرایمی است که در هر مرحله علیه اجرای عدالت کیفری ارتکاب می یابند.

به منظور استفاده از طرح اول، یعنی تقسیم بندی جرایم بر اساس مرتکبین، تلاش شد تا تلفیقی از این دو شیوه در اثر پیش رو به کار گرفته شود. بنابراین پایان نامه حاضر در چهار فصل تنظیم شده است.

در فصل اول عدالت کیفری، مفهوم آن و مجریان عدالت کیفری بررسی می شود. و در سه فصل بعد جرایم علیه اجرای عدالت کیفری به ترتیب فرآیند دادرسی کیفری تشریح می شود. در هر فصل، جرایم بر اساس مرتکب آن در مباحث مجزایی بررسی و تحلیل می شود. از آنجا که عنوان پایان نامه نیز جرایم علیه اجرای عدالت کیفری^۱ می باشد، لذا طرح موضوع، مبتنی بر فرآیند دادرسی کیفری مناسب و شایسته به نظر می رسد.

^۱ - اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی نیز در ماده ۷۰ همین عنوان را دارد: Offences against the administration of